

نقد وضعیت تمدنی غرب از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی) مبتنی بر قرآن کریم

کیانوش کیاکجوری^۱ و احمد قاسمی^۲

۱- استاد گروه معارف، دانشکده علوم پایه، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران.
۲- دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

✉ نویسنده مسئول: ایمیل: kianoush.kia51@gmail.com

چکیده

تمدن‌ها همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی همواره در حال تغییر و دگرگونی هستند. آنچه تحت عنوان تمدن نوین غربی مطرح می‌شود، مجموعه‌ای از دستاوردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در غرب است که در قالب نظام‌های سیاسی سکولار و نظام اقتصادی سرمایه‌داری متجلی شده است. اما این تمدن از مناظر مختلف از سوی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) مورد نقد و نظر واقع شده است. مستندات قرآنی اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در نقد وضعیت تمدن غرب را می‌توان در سوره مبارکه زخرف (آیات ۵۱ تا ۵۶)، دموکراسی پول محور در سوره شورا (آیه ۳۸)، خوی استکباری در سوره اعراف (آیه ۸۸)، بن بست تئوریک در سوره قصص (آیه ۵)، جاهلیت مدرن در سوره یس (آیه ۳۶)، نمل (آیه ۵۵) و احزاب (آیه ۳۳) یافت. هدف اصلی این تحقیق نقد تمدن غربی از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی) مبتنی بر قرآن است.

قلمرو تحقیق حاضر، وضعیت تمدنی غرب بوده و روش تحقیق استنباطی است. داده‌های لازم با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای جمع‌آوری و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش، فرمایشات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) که با روش سرشماری، کلیه بیانات، بررسی و تحلیل گردیدند. بر مبنای یافته‌های این تحقیق، مهمترین انتقادات وارده بر تمدن نوین غربی از منظر امام خامنه‌ای، دموکراسی پول محور، خوی استکباری، بن بست تئوریک، بحران اخلاق، ظلم و جاهلیت مدرن است.

واژگان کلیدی: دموکراسی پول محور، خوی استکباری، بن بست تئوریک، اندیشه قرآنی، جاهلیت مدرن

اطلاعات انتشار

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۹/۱۵

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۲/۲۹

Criticism of the civilizational state of the West from the perspective of Imam Khamenei (may Allah protect him) based on the Holy Quran

Kianoosh Kiakjuri[✉] and Ahmad Ghasemi

1- Imam Ali Officers' University, Tehran, Iran.

✉ Corresponding Author. Email: kianoush.kia51@gmail.com

Abstract

Civilizations, like other social phenomena, are always changing and transforming. What is called the modern Western civilization is a set of political, social, economic and cultural achievements in the West that have been manifested in the form of secular political systems and the capitalist economic system. However, this civilization has been criticized and commented on from different perspectives by Imam Khamenei (may Allah have mercy on him). Quranic evidence of Imam Khamenei's (may Allah have mercy on him) thoughts in criticizing the state of Western civilization can be found in Surah Al-Zukhruf (verses 51 to 56), money-oriented democracy in Surah Al-Shura (verse 38), arrogant temperament in Surah Al-A'raf (verse 88), theoretical deadlock in Surah Al-Qasas (verse 5), modern ignorance in Surah Yasin (verse 36), An-Naml (verse 55) and parties (verse 33). The main purpose of this research is to criticize Western civilization from the perspective of Imam Khamenei (may Allah have mercy on him) based on the Quran. The scope of the present research is the civilizational situation of the West and the research method is an inquiry. The necessary data was collected using a library study and analyzed using the qualitative content analysis technique. The statistical population of the research is the sayings of Imam Khamenei (may Allah have mercy on him), which were examined and analyzed using the census method, all statements. Based on the findings of this research, the most important criticisms of modern Western civilization from the perspective of Imam Khamenei are money-oriented democracy, arrogant temperament, theoretical deadlock, moral crisis, oppression and modern ignorance.

Received: 2025/02/10

Accepted: 2025/12/06

Published: 2026/03/20

Keywords: money-oriented democracy, arrogant nature, theoretical deadlock, Quranic thought, modern ignorance

فروپاشی نظام خانواده، افزایش شکاف طبقاتی، کاهش اعتماد شهروندان به دولتمردان، کاهش نرخ رشد جمعیت، افزایش کودکان نامشروع، عدم کنترل برخی آزادی‌های مبتنی بر اومانیسیم، کاهش آزادی در کشورهای با نظام لیبرال دموکراتیک و ... بخشی از علل درونی به بن بست کشاندن ایدئولوژی غرب است. نحوه مواجهه نظام‌های سیاسی، تمدنهای مختلف و افراد و شخصیت‌های گوناگون با تمدن نوین غرب دارای تفاوت‌های قابل توجهی است. برخی با پذیرش مطلق اندیشه‌های غربی و گریزناپذیر دانستن توسعه و پیشرفت غربی برای جوامع خود، راه را در اطاعت و سرسپردگی از فرهنگ و تمدن غربی دانستند که در همین راستا نیز نهادهای سیاسی و اجتماعی خود را به سبک و سیاق نظام تمدنی غرب سامان داده‌اند. برخی نیز راهی افراطی در پیش گرفتند و با نفی الگوی تمدنی غرب، یگانه راه را در نفی الگوی تمدنی غرب و به کارگیری الگوی موردنظر خود می‌دانند. برخی دیگر نیز راهی میانه در پیش گرفتند و با در نظر گرفتن مزایای تمدنی غرب و عدم انکار پیشرفت‌های فنی و علمی غرب، چاره را در تعامل با این الگوی تمدنی می‌دانند که می‌توان با شناسایی مزایا و معایب آن، راهی برای اداره جامعه خویش یافت (نرمانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰). بر این اساس نقد وضعیت تمدن غرب در اندیشه قرآنی امام خامنه ای (مدظله العالی) بر محورهای مانند دموکراسی پول محور، خوی استکباری، بن بست تئوریک، بحران اخلاق، تمدن مادی محض، ظلم و جاهلیت مدرن بنا شده است که می‌تواند زوایای جدیدی را بگشاید. از اینرو، با شناخت اجمالی از وضعیت کنونی تمدن غرب، مسئله اساسی مقاله حاضر این است که بر پایه مبانی قرآنی دیدگاه امام خامنه ای (مدظله العالی) چه نقدهایی بر تمدن غرب وارد است؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

پرداختن به تمدن نوین غرب از منظر امام خامنه ای (مدظله العالی) بر مبنای قرآن، یکی از ضرورت‌های جامعه معاصر است. با گسترش رسانه‌ها و تلاش غرب برای گفتمان سازی و سلطه ارزشها و الگوهای خود بر باورهای انقلابی و مذهبی، تحقیقاتی از این نوع می‌توانند از دو جهت به ما کمک کند: نخست با نقد تمدن غرب، می‌توان درست از نادرست را تمیز داد و رویکردی عقلانی در زمینه مواجهه با تمدن غربی اتخاذ کرد. دوم، با رویکردی ایجابی و بسط گفتمان انقلاب اسلامی و ارزشها و الگوهای مد نظر آن، می‌توان توجیه نظری و علمی برای معرفی گفتمان انقلاب اسلامی در راستای تحقق تمدن سازی نوین اسلامی ارائه داد.

آشکارسازی نقدهای وارد شده بر تمدن غرب، به بسیاری از ابهامات و ادعاهای تمدنی غرب پاسخ می‌دهد به طوری که این تحقیق می‌تواند مبنایی برای تحقیقات و دانش پژوهان بعدی باشد. در نهایت انجام ندادن این تحقیق سبب القای این موضوع می‌شود که تحقیقات انجام شده قبلی کامل بوده و نیازی به کار علمی دیگری نیست و وضعیت موجود به عنوان وضع مطلوب تلقی گردد.

روح تمدن غرب را مجموعه از باورها، ارزشها، مفاهیم و آداب و رسوم تشکیل می‌دهد که در نگرش، رفتار و منش افراد و جوامع انسانی و روابط و دیدگاه آنان از دین و زندگی و وجود انسان تجلی می‌یابد. امروزه تفکر غربی که شامل اندیشه‌های فلسفی، متافیزیکی و مبانی و ارزشهای اخلاقی، حقوقی و اجتماعی است، تحت تاثیر جریان ماتریالیستی جهت یکسانی را پیموده و بر غرب سایه افکنده است. پیشرفت غرب در سده بیستم در زمینه‌های صنعتی به خصوص در انتهای قرن و در دروازه‌ی ورود به هزاره‌ی سوم، بسیار اعجاب برانگیز بوده است. این واقعیتی است انکارناپذیر؛ اما سخت در اشتباه خواهیم بود اگر پیشرفت غرب را مرهون معنویت‌گریزی غرب بدانیم. «تمدن کنونی غرب بر اساس پاسداشت انسان به وجود آمد؛ بر اساس اومانیسیم و اصالة الانسانیه این تمدن بنا شده است؛ معنای آن این است که «انسانیت»، عنصر اصلی و هدف اصلی و قیله اساسی برای این تمدن خواهد بود؛ امروز در نظام تمدنی غرب، انسانیت پامال شده است و حقاً و انصافاً دچار شکست شده‌اند... یک نمونه‌اش قتل و غارت و خشونت است» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵) «پیشرفت کشورهای پیشرفته غربی نتوانست فقر را از بین ببرد، نتوانست تبعیض را از بین ببرد، نتوانست عدالت را در جامعه مستقر کند، نتوانست اخلاق انسانی را مستقر کند. اولاً آن پیشرفت بر پایه ظلم و استعمار و غارت کشورهای دیگر بنا شد... اینها پایه تمدن خودشان را با مکیدن خون ملت‌ها شروع کردند؛ بعد هم با پیشرفتهای گوناگون، نه ظلم را در کشورهای خودشان برطرف کردند، نه تبعیض را برطرف کردند، نه جوامع فقیر را توانستند به بی‌نیازی برسانند» بیانات در دیدار اساتید دانشگاهها، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵. یکی از ویژگی‌های مهم تمدن غرب، اصالت‌دادن به عقلانیت ابزاری است. وقتی که رابطه بشر با هستی، ابزاری شد یعنی وقتی انسان در یک رابطه ابزاری با هستی قرار می‌گیرد طبیعی است که از این رابطه و موجود چیزی جز رویکرد استعماری برنمی‌آید. در چنین حالتی عقل او چون تجسم خواست‌ها و هواهای اوست شکل ابزاری پیدا می‌کند یعنی ابزاری برای تصرف و سلطه و استیلا و سودمحوری و قدرت‌طلبی می‌شود. (زرشناس، ۱۳۸۳) پس از جنگ جهانی دوم ایدئولوژی غرب بیشترین انتقادات را به ایدئولوژی کمونیسم و ناسیونال سوسیالیسم به دلیل ماهیت رادیکال آنان وارد نمود. پس از واقعه ۱۱ سپتامبر نیز همین رویه را غرب در برابر اسلام در پیش گرفت. اما واقعیتی است غیر قابل انکار که ایدئولوژی غربی خود در ورطه رادیکالیسم افتاده است. غرب با تندروی‌های خود سعی دارد با هر ابزاری (حتی نظامی) ایدئولوژی خود را به سایر نقاط ارسال نماید و این دقیقاً مصداق بارز رادیکالیسم است. غرب با تمام توان می‌کوشد تا نظام لیبرال - دموکراسی را در عرصه سیاست، نظام سرمایه‌داری را در عرصه اقتصادی، فرهنگ هالیوودی را در عرصه فرهنگی و یکجانبه‌گرایی را در عرصه نظامی حاکم نماید. بر این مبنای ایدئولوژی لیبرال - دموکراسی در دنیای غرب وارد یک دور باطلی شده است که روز به روز به مرز عدم تحمل نزدیک می‌شود. بی بندوباری‌های اجتماعی - اخلاقی،

مفهوم شناسی

تمدن غرب

لفظ تمدن در نیمه‌ی دوم قرن ۱۸ در فرانسه مفهوم‌سازی شد و به معنای «طراحی جامعه که در آن حقوق و قوانین شهری جایگزین قوانین نظامی شود به کار رفت (Mazlish, 2001:294). در قرن ۱۸ با توجه به ایده‌های پیشرفت و با تکیه بر ایده روشنگری و مفهوم مدرنیته، مفهوم جدیدی از «تمدن» شکل می‌یابد که در آن بر تحول دنیوی و البته غیر دینی و بر پیشرفت خودبنیاد انسانی تاکید می‌شود (پهلوان، ۱۳۸۸: ۳۵۹). نکته مهم اینکه در قرن ۱۸ معنای civilization در فرانسه آمیخته با تهذیب و نظم بوده است که البته همین نیز مورد نقد رومانتیست‌ها قرار گرفته و آنها در واکنش به civilization واژه‌های بدیلی را مانند culture درست کردند که گونه‌ای دیگری از تحول بشری با معیارهای متفاوت را در زمینه رفاه انسانی پیشنهاد می‌کرد (بابایی، ۱۳۹۶: ۱).

دموکراسی پول محور

بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی حتی در درون نظام سلطه معتقدند که انتخابات در آمریکا به عنوان نماد دموکراسی غربی به تدریج در حال تهی شدن از معنای واقعی است و بیش از اینکه مردم منشاء اثر و تعیین‌کننده باشند این صاحبان سرمایه هستند که به نتایج انتخابات شکل و جهت مورد نظر خود را می‌دهند. سلطه قشر سرمایه دار بر عرصه سیاست سبب شده است که نتایج انتخابات، سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی عمده‌تأبعی از نظرات و خواسته‌های این قشر باشد. این موضوع به ویژه در ایالات متحده آمریکا که خود را نماد دموکراسی می‌داند مشهود است؛ به طوری که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در مبارزه انتخاباتی خود گفت: «من خودم سرمایه دار هستم و کسی نمی‌تواند من را بخرد و به همین دلیل می‌توانم جلوی این فساد را بگیرم.» نکته مهم این است که دامنه اثرگذاری سرمایه داران فقط به اقتصاد ختم نمی‌شود بلکه همه‌ی عرصه‌ها را شامل می‌شود (خبرگزاری تسنیم، ۲۲ مهر ۱۳۹۲).

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تشریح دموکراسی پول محور حاکم بر تمدن غرب فرمودند: «امروز در کشورهای غربی و در خود آمریکا، آن چیزی که به نام دموکراسی و انتخابات وجود دارد، صورت انتخابات است. باطن آن، حاکمیت سرمایه است. من مایل نیستم که از نویسندگان و کتاب‌هایشان اسم بیاورم؛ اما خود نویسندگان آمریکایی تشریح می‌کنند و می‌نویسند که انتخابات شهرداری‌ها، انتخابات نمایندگی مجلس و انتخابات ریاست جمهوری، با چه ساز و کاری انجام می‌گیرد. اگر کسی نگاه کند، خواهد دید که در آن‌جا، آراء مردم تقریباً هیچ نقشی ندارد و آنچه که حرف اول و آخر را می‌زند، پول و سرمایه‌داری و شیوه‌های تبلیغاتی مدرن و همراه با فریب و جذاب از نظر آحاد مردم سطحی‌نگر است! اسم دموکراسی هست، اما باطن دموکراسی مطلقاً نیست»

(بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳). تعریف عملیاتی دموکراسی پول محور یعنی حذف نقش آراء مردم و فریب و هدایت افکار عمومی با تبلیغات به نام دموکراسی.

خوی استکباری

استکبار، از نظر اهل لغت به معنی خود بزرگ بینی و برتری خواهی (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۴۶۶-۴۶۵) و امتناع از قبول حق از روی عناد و تکبر (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۱۲۶) است. از نظر قرشی، استکبار آن است که انسان اظهار بزرگی و تکبر کند با آن که اهلش نیست (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۷۴). امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تعریف استکبار و تبیین مصداق آن فرمودند: «استکبار یک واژه‌ی قرآنی است که در قرآن درباره‌ی امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حق و حقیقت به کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است، تا امروز هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه‌ی دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روشها در هر زمانی تفاوت می‌کند. امروز هم نظام استکباری وجود دارد؛ رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده‌ی آمریکا است.» ایشان در تشریح خوی استکباری آنها را چنین برشمردند: «۱- یکی از خصوصیات استکبار، فریبگری و رفتار منافقانه است. ۲- از شاخصه‌های دیگر استعمار و استکبار این است که جنایت را نسبت به ملت‌ها و نسبت به آحاد بشر مجاز می‌شمرند. ۳- خصوصیت و شاخص دیگری برای استکبار به دست می‌آید و آن حق‌ناپذیری است.» (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۹/۰۸/۲۹). از اینرو تعریف عملیاتی خوی استکباری عبارت است از خودبزرگ بینی افراطی، رفتار منافقانه و مقابله با حق طلبی مردم برای حفظ منافع خود.

بن بست تئوریک

فیلسوف و جامعه‌شناس برجسته غرب، ادگار مورن می‌گوید غرب اندیشه راهنمای در خور را ندارد. هنوز توان تولید آن را نیز نیافته است. پیش از او، گورباچف، به پاریس آمده بود و روشنفکران به او گفته بودند که هر ایدئولوژی که ساختنی می‌انگاشتم، ساخته ایم. از راست افراطی تا چپ افراطی، مرام ساخته ایم و دیگر توان ساختن اندیشه راهنمای جدید را نداریم. مگر در آن سوی جهان، اندیشه راهنمائی خلق و به بشر پیشنهاد شود. اما نخست، گراهام فولر بود که گفت: غرب از تولید اندیشه راهنما ناتوان گشته است. از دید او، در ایران و یا مصر و یا چین و یا هند است که اندیشه جدید می‌تواند یافت شود (انقلاب اسلامی، اردیبهشت ۱۳۹۲).

بحران اخلاقی

در ادبیات جامعه‌شناسی، اخلاق عنصر ذاتی جامعه است و هیچ جمع و گروهی را نمی‌توان یافت که بتواند بدون مجموعه قواعد انتظام بخش اخلاقی با هم زندگی کنند. از اینرو، دورکیم جامعه را یک اجتماع اخلاقی می‌داند (دورکیم، ۱۳۶۰: ۷۶-۷۴). لذا بحران اخلاقی وضعیتی است که در آن جامعه فاقد قواعد و هنجارهای مشترک انتظام بخش کنشها و دارای ضعف در این قواعد است، به طوری که جامعه دچار عدم انسجام و بی‌نظمی است و

مناسبت عید مبعث، ۱۴۰۰/۱۲/۱۰) از اینرو تعریف عملیاتی جاهلیت مدرن عبارت است از: توسعه فرهنگ مادی گرایی به اسم گسترش تکنولوژی و پیشرفت. شاخصه های این نوع از جاهلیت، استفاده ابزاری از زنان و تغییر هویت اصل آنها، حذف رابطه ایمان به خدا، غلبه مادی گرایی بر زندگی انسان و کم رنگ شدن معنویت در جامعه است.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

برای درک و نقد وضعیت تمدن غرب، باید نگاهی دقیق به مبانی آن داشت. تمدن غربی بر پایه اومانیزم، سکولاریسم و لیبرالیسم استوار است که نگاه به انسان و جهان را در نگاه مادی محصور نموده و دین و اخلاق و معنویت را از متن زندگی انسان به حاشیه رانده و همین امر موجب بروز بحران های زیادی برای این تمدن شده است.

لیبرالیسم، جریان ایدئولوژیک و سیاسی و اجتماعی بورژوازی است که در قرن هیجدهم، یعنی در اوج بورژوازی صنعتی پدید آمد. در این زمان محتوای شعار اصلی لیبرالیسم، فرمول آزادی سرمایه و آزادی تجارت بود. از آنجا که در آغاز پیدایش لیبرالیسم، بزرگترین مانع بر سر راه آزادی عمل سرمایه، مناسبات فئودالی و سلطنت مطلقه فئودالی بود، شعار اصلی لیبرالیسم در عرصه سیاست عبارت می شد از مخالفت با استبداد مطلقه، دفاع از پارلمانتاریسم و آزادیهای بورژوازی. در عرصه اجتماعی نیز شعار لیبرالیسم عبارت بود از گسترش مناسبات سرمایه داری به زبان مناسبات فئودالی. از اینرو، نفوذ در بین توده های مردم و حفظ سلطه ایدئولوژیک و سیاسی بر توده های زحمتکش و وابسته کردن آنها به سیاستهای سرمایه داری نیز از وظایف مهم لیبرالیسم است (آقابخشی و افشاری، ۱۳۸۳: ۳۸۰-۳۷۹).

حوادث و رویدادهایی چون رنسانس و نوزایی و جنبش اصلاح دینی و جریان روشن اندیشی و عقل گرایی و انقلاب صنعتی که از قرن چهاردهم در غرب آغاز شد با وجود آثار و نتایج سودمند آن در زمینه تأمین رفاه و آسایش مردم و ایجاد تحولات فکری و فرهنگی و تکامل زندگی اجتماعی انسانها موجب بروز بحران ها و نارسایی هایی نیز در عرصه های مختلف زندگی انسانی از جهت معرفتی، روانی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی شده است. امروز بشر در بعد معرفتی دچار تحیر علمی و نسبیّت گرایی و عدم ثبات در آرا و عقاید است و در بعد روانی، دچار تردید علمی، افسردگی و اضطراب، فقدان آرامش و اطمینان خاطر و از خود بیگانگی و به تعبیری بی خویشی است و از جهت اخلاقی نیز گرفتار انحرافات خصلتی گسترده و به لحاظ خانوادگی دچار از هم پاشیدگی داخلی و از نظر اجتماعی و سیاسی، گرفتار مسائلی چون هرج و مرج بین المللی و مانند آن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۳)

امام خامنه ای (مدظله العالی) بر اساس همین ویژگیها و خصلت ذاتی لیبرالیسم به نقد تمدن غرب پرداخته و از جهات مختلف آن را به چالش طلبیده اند. ایشان فرمودند: «در مکتب غربی لیبرالیسم، آزادی انسان، منهای حقیقتی به نام دین و خداست. در لیبرالیسم غربی چون حقیقت و

اکثریت کنشگران یا گرفتار سردرگمی و بلا تکلیفی هستند، یا به نقض و تخطی مکرر از قواعد و قوانین روی می آورند (همان: ۹۵-۹۴). پارسونز نیز معتقد است در جامعه ای که عشق به خدا و توجه به اخلاق تضعیف گردد، آن جامعه با بحرانهای شدیدی مواجه می شود و چاره چنین بحرانهایی فقط از طریق تأکید بر اخلاق و تقویت احساسات افراد درباره مقدسات و دین میسر خواهد شد (گولدنر، ۱۳۸۳: ۳۸۹).

جاهلیت مدرن

به اعتقاد کارشناسان جاهلیت به معنای فقدان علم، آگاهی و دانش نیست بلکه در مقابل عقل قرار دارد. جاهلیت یعنی هر گونه رفتاری که دلالت عقلانی نداشته و به عبارتی فعل حکیمانه نباشد (امانی، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۴). در دیدگاه متفکران انقلاب اسلامی نیز استعاره جاهلیت برای نشان دادن احوال عصر کنونی و وضعیت تمدنی غرب بکار رفته است. امام خمینی (ره)، قرن بیستم را مصداقی از عصر جاهلی به شمار می آورد (خمینی، ۱۳۸۷: ج ۱۷: ۵۱). در دیدگاه آیت الله جوادی آملی، حیات جاهلانه مفهومی کلی است که مصداقی و مراتب متفاوتی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۳). به باور ایشان آنچه در جاهلیت مدرن می گذرد یعنی مدرنیته همان جاهلیت کهنه است؛ و پلیدی را در هر ظرفی ارائه کنند پاک نخواهد شد، بلکه ظرف نوین را نیز می آلود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۸۸). ایشان زندگی اعراب پیش از اسلام را مصداقی از «جاهلیت نازل» می داند و در مقابل بر این نکته تأکید دارد که در روایات و متون دینی از تداوم داشتن «درجات عمیقتر جاهلیت» تا ظهور منجی آخرالزمان اشاره شده است زیرا این مرتبه از جاهلیت به معنی فقدان مظاهر زندگی و تمدن و از دست دادن رفاه و ابزار آن نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۳). امام خامنه ای (مدظله العالی) در تشریح مفهوم جاهلیت مدرن و مصداق آن تأکید فرمودند: «بخشی از جاهلیت، فقدان علم و نداشتن علم است اما جاهلیت به معنای وسیع عبارت است از غلبه و حاکمیت نیروی شهوت و غضب انسانی بر محیط زندگی؛ این میشود جاهلیت. جاهلیت، امروز هم در دنیا وجود دارد؛ ما باید چشمان را باز کنیم و جاهلیت را بشناسیم؛ امروز هم عیناً همین معنا وجود دارد؛ شهوت رانی بی حساب، بی مهار، بی منطق. امروز منطق شهوت رانی در دنیای غرب «تمایل» است؛ می گوئیم چرا همجنس بازی راه، همجنس گرایی را ترویج می کنید؟ می گویند خب، این یک تمایل بشری است؛ این منطقتان است! همین ها که در عرصه های شهوت رانی و عدم رعایت هیچ خط قرمزی در باب شهوات جنسی و شهوات گوناگون بشری ایستادگی و توقف نمی کنند و پیش می روند، نوبت به قساوت که می رسد، همان وضعیت را انسان اینجا هم مشاهده می کند: انسانها را می کشند، بی گناهها را می کشند، بدون هیچ جرمی ملتهما را مورد سرکوب قرار می دهند؛ این جاهلیتی است که امروز وجود دارد؛ جاهلیت مدرن.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶). «امروز مظهر جاهلیت مدرن، مظهر تبعیض، مظهر ظلم، مظهر بحران سازی در دنیا آمریکا است. اساساً رژیم ایالات متحده ای آمریکا، یک رژیم بحران ساز و بحران زیست است؛ از بحران تغذیه می کند، ارتزاق می کند؛ از بحرانهای گوناگون در اطراف عالم ارتزاق می کند» (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به

ارزشهای اخلاقی نسبی است، لذا «آزادی» نامحدود است. در غرب، در نفی «تکلیف» تا جایی پیش رفته‌اند که نه تنها تفکرات دینی را، حتی تفکرات غیر دینی و کل ایدئولوژیها را که در آنها تکلیف هست، واجب و حرام هست، باید و نباید هست، نفی می‌کنند (بیانات در دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲). یک عده‌ای بخطا تصور میکنند که این مفاهیم رایج مثل عدالت اجتماعی و آزادی و مانند اینها از غرب به عالم اسلام آمده است، یا متفکرین اسلامی اینها را از غربی‌ها یاد گرفته‌اند؛ این کاملاً اشتباه است. غرب سه چهار قرن بیشتر نیست که با این مفاهیم آشنا شده؛ از بعد از رنسانس با این مفاهیم آشنا شده است؛ در حالی که اسلام ۱۴۰۰ سال قبل از این، این مفاهیم را به طور روشن در قرآن بیان کرده است؛ با این تفاوت که غربی‌ها که اینها را مطرح کرده‌اند، هیچ وقت صادقانه به آن عمل نکرده‌اند - نه به آزادی عمل کردند، نه به عدالت اجتماعی عمل کردند - [آنها] گفتند و عمل نکردند؛ [این مفاهیم] در اسلام بود و در زمان پیغمبر عمل شد. این عبارت «أَمْرٌ لِّأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» مال قرآن است دیگر؛ دستور پیغمبر این است که اجرای عدالت بکنند؛ این همان عدالت اجتماعی و عدالت همه‌جانبه است؛ یا [میفرماید]: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ یعنی اصل بعثت همه‌ی انبیا و ارسال رسل و کتب برای این بوده است که قسط - یعنی همین عدل اجتماعی، عدل اقتصادی - در بین مردم برقرار باشد؛ بنابراین اینها مفاهیم قدیمی اسلامی است (سخنرانی نوروزی، ۱۳۹۹/۰۱/۰۳).

پیشینه تحقیق

۱- نادری باب اناری (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان «استعاره جاهلیت نوین و نقد تمدن غرب در دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای» با روش تئوری داده بنیاد، درصد پاسخ به این سوال اصلی است: «رہیافت انتقادی آیت الله خامنه‌ای نسبت به تمدن غرب چیست؟» یافته‌ها بر این نکته تاکید دارد که هسته اصلی نگاه انتقادی ایشان، استعاره جاهلیت مدرن است. در این نگاه، تمدن غرب در تداوم مسیر جاهلیت صدر اسلام گام بر می‌دارد. نشانه‌های این مسیر جاهلیت در خشونت رفتاری (سلطه، کشتار جمعی، غارت منابع، فقر جوامع) و طغیان شهوت (تبرج زنان) می‌توان یافت. در این میان، انقلاب اسلامی با ارائه گفتمان اسلام ناب محمدی (ص) در مسیری خلاف جاهلیت گام برداشته و خواهان عملیاتی کردن پیام بعثت نبوی (ص) برای زدودن جاهلیت مدرن است.

۲- دآوری و مصالایی پوریزدی (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی تناظر محتوایی استکبارستیزی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای و قرآن کریم» براساس روش تحلیل محتوا «درصد پاسخ گویی به این سؤال اصلی است که مستندات قرآنی استکبارستیزی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای کدام اند؟ براساس یافته‌های پژوهش، در آیات قرآن به بیشتر مقوله‌هایی که در تحلیل بیانات آیت الله خامنه‌ای استخراج گردید، اشاره شده است. این مقوله‌ها عبارت اند از: مفهوم استکبار، ویژگی‌های استکبار، عوامل پیدایش استکبار، علل مبارزه با

استکبار و عدم سازش با آنان، راه‌های مبارزه با استکبار، رویکردهای مختلف در مواجهه با استکبار.

۳- نرمانی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان «نقد تمدن نوین غرب از منظر گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر آراء حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» با روش توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخ به این پرسش برآمده اند که مهمترین انتقادات وارده بر تمدن نوین غربی از منظر گفتمان انقلاب اسلامی و آراء حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) شامل چه مواردی است؟ بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر، مهمترین انتقادات وارده بر تمدن نوین غربی از منظر گفتمان انقلاب اسلامی و آراء حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) سیطره علم تجربی و اثباتی، جدایی ارزش‌ها از علم، سکولاریسم سیاسی، اقتصاد سرمایه محور، نظام اجتماعی محدود به غرب و حقوق بشر سکولار است. گفتمان انقلاب اسلامی با مطرح کردن مردم‌سالاری دینی، ابزاری بودن اقتصاد، طرح اقتصاد مقاومتی، نظام اجتماعی فراگیر و مبتنی بر عدالت و همکاری، حمایت از مستضعفان و عدالت‌خواهان، رویکرد جدیدی برای طرح اندیشه تمدن نوین اسلامی مطرح کرده است.

۴- احمدی کچایی (۱۴۰۱) در مقاله ای با عنوان «واکاوی تمایز غایت‌گرایانه تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب در اندیشه آیت الله خامنه‌ای» با روش تحلیلی و توصیفی به بررسی این موضوع پرداخته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مبنای تمدن اسلام بر اساس نفی شرک و توحیدمحور سامان یافته است که نهایتاً به عبودیت بشر در روند تمدن مبتنی بر آرمان‌های اسلام منتهی خواهد شد. درمقابل استواری تمدن غرب بر اساس رویکرد مادی‌گرایانه و عدم توجه به ارزش‌های الهی است. از این رو ساخت دنیای بهتر انگیزه غایی ایجاد تمدنی نو در غرب بوده است. به باور امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، دنیاگرایی خود عاملی روبه‌رشد در تمدن غرب بود و موجب شد این تمدن در جهان پیش‌ران شود، اما عدم باورداشت به ارزش‌های الهی و انسانی خود عامل سقوط آن در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهد شد.

نقاط افتراق و اشتراک پژوهش حاضر با پیشینه

نقطه افتراق پژوهش حاضر به لحاظ جامعیت بررسی مولفه‌های تمدن غرب است که در پیشینه فقط به تعداد محدودی اشاره شده است. افزون بر این مبنای قرآنی دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) برای نقد وضعیت تمدن غرب در پیشینه‌های پیش گفته نیامده است. و مهمتر از همه تأکید بر ارزشهای اخلاقی و اسلامی تمدن اسلامی در مقابل نقد وضعیت تمدن غرب موجب تمایز این پژوهش با منابع اشاره شده در پیشینه شده است. با این وجود نقاط اشتراکی نیز بین پژوهش حاضر با پیشینه وجود دارد که مهمترین آنها نیاز به نقد وضعیت تمدنی غرب و توجه به ابعاد مادی و انسان‌گرایانه‌ی تمدن غرب که هم در این پژوهش و هم در پیشینه به آن توجه شده است.

روش تحقیق

شهید صدر در تقسیم‌بندی خود از تفسیر، آن را به دو نوع

منافع آن هاست نه حاکمیت عدالت اجتماعی و تلاش برای تأمین زندگی محرومان. علت حاکمیت یابی سرمایه داران و سرمایه داری آن است که آن‌ها از ابزارهای و امکانات بیش تری برای تأثیرگذاری بر مردم در فرآیند انتخابات برخوردارند. بنابراین، از وجود نابرابری، بی عدالتی، ناامنی در زندگی اجتماعی غرب، نباید تعجب کرد. یکی از حساس ترین نقاطی که سرمایه داری بر آن تأثیری شگرف می نهد، افکار عمومی است. سرمایه داری غرب با استفاده از مکانیسم استعماری تبلیغی، به گونه ای عمل می کند که آرای مردمی را به خدمت خود در می آورد. در حقیقت، در نظام های لیبرال دمکراسی، سرمایه سالاری سایه افکنده و انتخابات، تنها پروسه ای برای مشروعیت دادن به هواپرستی جمعی و سود جویی سرمایه داران به شمار می رود (زرشناس، ۱۳۸۰: ۱۵).

از نظر قرآن، دستیابی به عدالت فراگیر اقتصادی نیازمند توجه و اهتمام به اموری دیگری است که از جمله آنها توجه به عدالت در ثروت و منابع طبیعی و توزیع مناسب آن در میان همه اقشار اجتماعی در راستای جلوگیری از انباشت ثروت در دست ثروتمندان و محرومیت دیگر اقشار اجتماعی (شوری، آیه ۱۵، حدید آیه ۲۵) است. تفسیر آیات مذکور این است که

شوری، آیه ۱۵

{ فَلْيَذِكِرْ فَادْعُ وَأَسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنَّا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْنَا بِالْعَدْلِ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ }

حدید، آیه ۲۵

{ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ }

عدالت‌ورزی، حاصل یک سری باورها و اعتقادات است: شناخت راه حق و وصایای انبیای الهی، کنار زدن هوس‌ها، ایمان به حضور در دادگاه الهی و دریافت پاداش متناسب با عمل است. از اینرو در این آیات، فرمان عدالت در کنار همه این باورها آمده است. با توجه به تعیین‌کنندگی دین و آموزه‌های دینی در راستای برقراری جامعه مطلوب اسلامی، عدالت مورد توجه است و همین امر فصل جدا کننده نظام حاکم بر غرب و اسلام است. امام خامنه ای (مدظله العالی) با اتکا بر مبانی قرآنی در نقد وضعیت تمدن غرب و تشریح حاکمیت سرمایه در نظام های دموکراتیک، فرمودند: «از غرب هم نمی‌خواستیم و نمی‌توانستیم الگو بگیریم؛ چون غرب چیزهایی داشت، اما به قیمت نداشتن چیزهای مهم‌تری. در غرب، علم بود، اما اخلاق نبود؛ ثروت بود، اما عدالت نبود؛ فناوری پیشرفته بود، اما همراه با تخریب طبیعت و اسارت انسان؛ اسم دمکراسی و مردم‌سالاری بود، اما در حقیقت سرمایه‌سالاری بود، نه مردم‌سالاری؛ امروز هم همین‌طور است... اگر کسی نگاه کند، خواهد دید که در آنجا، آراء مردم تقریباً هیچ نقشی ندارد و آنچه که حرف اول و آخر را می‌زند، پول و

«تجزیه‌ای-ترتیبی» و «توحیدی-موضوعی» تقسیم می کند (صدر، ۱۴۲۱ ق: ۸۹) و حقیقت تفسیر موضوعی را تلاش برای کشف نظر قرآن در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و اعتقادی و جهانی می‌داند که موضوع را از خارج، یعنی واقعیات زندگی بشری به قرآن کریم عرضه می‌کند و نظر قرآن کریم را در این موضوع استخراج می‌کند (همان: ۱۸) استنتاج قرآن، یعنی طرح پرسش در پیشگاه قرآن و طلب نطق و پاسخ از آن. این تعبیر نخستین بار از سوی امام علی (ع) مطرح شده است. عالمان دینی آن را بر تفسیر قرآن به قرآن، تأویل، تفسیر موضوعی و استنباط از قرآن اطلاق کرده‌اند که هر یک بعدی از ابعاد استنتاج را در بر می‌گیرد. موضوعی که در عرصه خارجی بی‌پاسخ مانده است و یا پاسخ‌های خاص از سوی صاحبان مکاتب و رشته‌های علوم انسانی بدان داده شده، برای پاسخگویی به قرآن عرضه می‌گردد. در این نوع پژوهش، حد و حدود مسئله و تبیین موضوع از خارج از قرآن شروع می‌شود و به پاسخ قرآنی آن و ارائه حکم قرآنی آن پرداخته می‌شود. موضوعاتی نظیر توسعه از دیدگاه قرآن کریم، سنت‌های تاریخی در قرآن، نظام اقتصادی - سیاسی در قرآن، مهندسی فرهنگی از دیدگاه قرآن و... از این گونه است. این نوع تفسیر را «تفسیر استنتاجی» نام نهاده‌اند (احمدی سفیدان، ۱۳۹۷: ۴۱). استخراج مبانی قرآنی دیدگاه امام خامنه ای (مدظله العالی) در خصوص متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق، نیازمند به کارگیری روشی با خصلتی تفسیری است. افزون بر این چون در موضوع نقد وضعیت تمدنی غرب با لایه های مختلفی سروکار داریم لذا باید مرجعیت قرآن را به استمداد بطلبیم. از این رو از روش استنتاجی استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل

۱- دموکراسی پول محور

در سده ی پنجم قبل از میلاد این واژه بر اجتماع همه ی مردم آتن اطلاق گردید که برای اجرای کارهای حکومتی گرد هم می‌آمدند. به تدریج دموکراسی اسم عامی برای حکومت‌هایی شد که به دست همه ی مردم اداره می‌شود (عالم، ۱۳۸۱: ۲۹۳). با این وجود مفهوم دموکراسی در بستر زمان دست‌خوش تغییرات و دگرگونی‌های مفهومی و نهادی بسیار گردیده است به طوری که امروزه عرصه‌های عدم توافق در مورد دموکراسی بسیار گسترده شده و همین امر نیز زمینه سازی نقدهای مختلفی بر آن گردیده است.

در نظام لیبرال دمکراسی، آنچه حاکمیت واقعی دارد، سرمایه داران و

اندیشمند	دیدگاه
شهید صدر	در تقسیم‌بندی خود از تفسیر، آن را به دو نوع «تجزیه‌ای- ترتیبی» و «توحیدی-موضوعی» تقسیم می‌کند
شهید صدر	استنتاج قرآن، یعنی طرح پرسش در پیشگاه قرآن و طلب نطق و پاسخ از آن
شهید صدر	در این نوع پژوهش، حد و حدود مسئله و تبیین موضوع از خارج از قرآن شروع می‌شود و به پاسخ قرآنی آن و ارائه حکم قرآنی آن پرداخته می‌شود.

سرمایه‌داری و شیوه‌های تبلیغاتی مدرن و همراه با فریب و جذاب از نظر آحاد مردم سطحی‌نگر است! اسم دموکراسی هست، اما باطن دموکراسی مطلقاً نیست.» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳).

۲- خوی استکباری

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با استناد به آیات قرآن کریم معتقد است همانطور که در صدر اسلام افراد در مواجهه با دشمن دو نوع رویکرد داشتند، امروزه نیز در جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با امریکای مستکبر، این دو رویکرد وجود دارد؛ دیدگاه اول مربوط به افراد ظاهرگرا و منافقان است که از قدرت ظاهری دشمن می‌ترسند (احزاب: ۱۳-۱۲). دیدگاه دوم مربوط به مؤمنان راستین است که از قدرت ظاهری دشمن نمی‌ترسند و قدرت دشمن را با قدرت خدای متعال مقایسه می‌کنند، آن وقت می‌بینند که دشمن حقیر محض است (احزاب: ۲۲) (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در بیست و چهارمین دوره کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۹/۱۲/۰۱). امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) برای تحلیل رویکردهای مختلف در مواجهه با دشمن به آیات قرآن کریم استناد می‌جوید. با بررسی این آیات مشخص می‌شود تحلیل ایشان بسیار دقیق بوده است؛ زیرا

احزاب، آیات ۱۲ و ۱۳

{وَأِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا } (۱۲) {وَأِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا } (۱۳)؛

احزاب، آیه ۲۲

{وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا }؛

براساس همین آیات و نظر دیگر مفسران مشخص می‌شود که در میان یاران پیامبر، برخی دچار شک و تردید و برخی دچار نفاق و دورویی بودند و گروهی از منافقان درصدد تضعیف روحیه مؤمنان بودند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، صص ۳۳۸-۳۳۷).

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در نقد وضعیت تمدن غرب به تبیین مفهوم خوی استکباری به عنوان یکی از صفات آن اشاره و تصریح کردند: «هرچه شما نگاه کنید، می‌بینید آسیب‌ها و بدبختی‌ها و تیره‌روزی‌های بشریت در طول زمان، ناشی از خصلت فرعون‌ی و خوی استکباری قدرت‌طلبان و زرمندان و زورمندانی است که حدی برای اشتباه‌های سیری‌ناپذیر آنها وجود ندارد. امروز هم همین‌طور است. امروز می‌بینید قدرت استکبار با چهره نظامی‌گرا و با زبان زور با دنیا حرف می‌زند. حتی لعاب ضخیم تبلیغات فریبنده رسانه‌های غربی هم دیگر نمی‌تواند این چهره زشت زورمداری و قدرت‌طلبی را بپوشاند. با زبان زور حرف می‌زنند. برای این زورگویی، از هیچ کار بر خلاف

شرافت هم ابا نمی‌کنند؛ مفاهیم انسانی را تحریف می‌کنند، واژه‌های شریف انسانیت را قلب معنا می‌کنند، به ملتها دروغ آشکار می‌گویند و دم از خصلت‌هایی می‌زنند که به کلی از آنها تهیدستند» (بیانات در دانشگاه افسری امام علی(ع)، ۱۳۸۱/۰۸/۰۷).

۳- بن بست تئوریک

اگر چه بنا بر گواهی تاریخ، همواره میان حق و باطل نزاع و ستیز بوده و در هر برهه‌ای یکی از آنها بر دیگری غلبه کرده است؛ اما بنا بر آینده‌نگری قرآن، نظام اجتماعی آینده بر اساس پیروزی نهایی نظام توحیدی بر نظام شرک و طاغوت شکل خواهد گرفت: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ» (انبیاء: ۱۸). بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد و این‌گونه، باطل محو و نابود می‌شود. هر چند پیامبران الهی از آغاز تاریخ بشریت در جهت ترویج و تثبیت دین حق مجاهدت‌های بسیاری کرده‌اند، ولی همواره با دشمنی‌های دین‌ستیزان روبه‌رو بوده‌اند؛ از این رو هیچ‌گاه شاهد غلبه کامل و فراگیر دین و دینداران نبوده‌ایم. از سوی دیگر این وعده حتمی خداوند است: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنُدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات: ۱۷۱). وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده که آنان یاری‌شدگاند و لشکر ما پیروزند». خداوند در این آیه به یک حکم و قضای قطعی و از پیش تعیین شده، یعنی پیروزی اهل حق بر اهل باطل اشاره کرده است. وعده حتمی الهی این است که خداوند فرمانبرداران و مجاهدان را هم در دنیا و هم در آخرت یاری می‌کند و آنها را بر گروه باطل پیروز می‌نماید. اما برای تمدن غرب که از عصر روشنگری بنای خود را بر انسان‌مداری گذاشته و عقل‌منهای شرع و غیر متصل به وحی را مبنای عمل خود قرار داده است، این مسئله هم به معنای بن بست نظری است هم تک‌ساحتی دیدن کل نظام و زندگی بشری.

افزون بر موارد بالا، یکی دیگر از اهداف تمامی ادیان الهی، ایجاد صلح در تمامی جوامع است. اکنون یک تشنگی عمومی نسبت به صلح، همه جهان را فرا گرفته است. قرآن همه مؤمنان را به صلح دعوت کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً» (بقره: ۲۰۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آشتی درآید». این آیه همه افراد با ایمان را به صلح و سلام و تسلیم بودن در برابر فرمان خدا دعوت می‌کند. از دعوت عمومی این آیه که همه مؤمنان را بدون استثناء از هر زبان و نژاد و منطقه جغرافیایی و قشر اجتماعی به صلح و صفا دعوت می‌کند، استفاده می‌شود که در پرتو ایمان به خدا، تشکیل حکومت واحد جهانی که در سایه آن همه جا صلح آشکار گردد، امکان‌پذیر است. این در حالیست که تمدن غرب علیرغم تمام ادعایی که برای صلح داشته و دارد و تئوریهایی که در خصوص صلح بین الملل ارائه داده و برخی نهادهای بین‌المللی را نیز در این خصوص تاسیس کرده، اما واقعیت کنونی آن است که غرب عامل جنگ و برهم‌زننده صلح می‌باشد.

بر پایه‌ی این مبانی قرآنی بوده است که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در نقد وضعیت تمدنی غرب به بن بست تئوریک اشاره و تصریح کردند

کاهش تشکیل خانواده از طریق ازدواج و موجب به وجود نیامدن ارتباطهای فامیلی و قطع صله‌ی رحم است. چون باز شدن راه زنا، بی‌رغبتی به ازدواج را در پی دارد. ۵- در زنا، احساس تعهد و تکلیف نسبت به بقای نسل و تربیت کودک نیست و احساس پدری و مادری از میان می‌رود. ۶- زنا، نظام ارث‌بری را بر هم می‌زند و وارث واقعی معلوم نمی‌شود. ۷- سبب از بین رفتن شخصیت و هویت انسانی می‌شود و موجب مرگ‌های زودرس می‌گردد. ۸- چون ارتکاب زنا، بدون زحمت و خرج نیست، زناکار برای ارضای هوس خود، به سراغ گناهان زیادی می‌رود. مثلاً گاهی برای کامیابی خود، به تهمت، ارباب و دزدی دست می‌زند و حتی مرتکب قتل می‌شود. ۹- در جامعه، فرزندان نامشروع و بی‌هویت پدید می‌آید، که زمینه‌ی بسیاری از مفاسد و جرائم است و مصداق روشنی برای فحشا است» (قرآنی، ۱۳۸۳: ۵۳).

امام خامنه ای (مدظله العالی) بر اساس این آیه قرآن، در نقد یکی دیگر از ابعاد وضعیت تمدنی غرب به بحران اخلاقی اشاره و فرمودند: «از لحاظ اخلاقی در بحرانند. از لحاظ اخلاقی-چه در زمینه‌ی مسائل مربوط به اخلاق جنسی، چه [مسائل] مربوط به مفاسد مالی- [براساس] حرفه‌هایی که خودشان می‌گویند، در مطبوعات خودشان منتشر می‌شود، حرفه‌هایی که خودشان می‌زنند- البته این خیلی کمتر از واقعیت است» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۵/۰۸/۱۲). از این منظر وقتی انسان در حد یک موجود مادی معرفی و از نظر اخلاق و مسایل جنسی نیز آزاد گذاشته شد نتیجه آن فروپاشی نظام خانواده است. بنابراین، فساد و فحشا و آلوده‌ترین روابط جنسی، مشروع و مطلوب جلوه داده می‌شود و با کمک هنر سینما و تئاتر به شدت تبلیغ می‌شود، این عوامل باعث گردید که دنیای غرب به بحران اخلاقی دچار شود.

۵- جاهلیت مدرن

در ادبیات قرآنی و روایی، جاهلیت برای نامیدن وضعیت غیر اسلامی یا ضد اسلامی بکار رفته است. بعثت پیامبر اکرم (ص) در میان اعراب جاهلی حکایت از رفتار، آداب و فرهنگ و رسوم خاص این قوم دارد که در برخی از آیات قرآن، از آنها با واژگان جاهلی و مشتقات آن یاد شده است. از منظر قرآن کریم، مقدس شمردن برخی حیوانات (مائده: ۱۰۳)، میگساری (بقره: ۲۱۹)، رباخواری (بقره: ۲۷۵ و ۲۷۶)، حقارت زن (نحل: ۵۸ و ۵۹)، زنده به گور کردن دختران (تکویر: ۸)، اجبار کنیزان به زنا (نور: ۳۳)، زنا (اسراء: ۳۲)، شرک، عدم نیکی به والدین و کشتن فرزندان از بیم فقر (انعام: ۱۵۱)، مصداق رفتار جاهلی اعراب عصر پیامبر (ص) بوده است (باغستانی، ۱۳۹۳، ج ۹: ۵۱۲-۵۱۱).

در چهار آیه از قرآن کریم مستقیماً واژه جاهلیت با تعابیری همچون «أَفْحَکَمَ الْجَاهِلِیَّةِ» (مائده: ۵۰)، «تَبَرَّجَ الْجَاهِلِیَّةِ» (احزاب: ۳۳)، «حَمِیةَ الْجَاهِلِیَّةِ» (فتح: ۲۶) و «ظَنَّ الْجَاهِلِیَّةِ» (آل عمران: ۱۵۴) از تفاسیر معتبر در خصوص این چهار آیه می‌توان نتیجه گرفت که در ادبیات قرآنی، استعاره جاهلیت در قیاحت نوعی از اخلاق،

«امروز دنیای غرب در بن‌بست فکری و بن‌بست تئوریک است؛ خیلی از مسائل دنیا برایشان غیر قابل توجیه است، غیر قابل فهم است؛ با آن نگاه لیبرال - دموکراسی که اینها داشتند نمی‌سازد خیلی از این چیزهایی که امروز در دنیا هست. اما برای ما نه، برای ما همه چیز قابل حل است. نقش انسان، نقش اراده‌ی انسان، نقش توکل به خدا، نقش حرکت تاریخ، مسئله‌ی مهدویت و آینده‌ی قطعی اسلام، یک چیزهایی است که برای ما روشن است، برای آنها [نه] ندارند، فاقدند، دستشان خالی است» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین اجلاس مجمع جهانی اهل بیت(ع)، ۱۴۰۱/۰۶/۱۲).

امام خامنه ای (مدظله العالی) در دیدار با اعضای مجلس خبرگان فرمودند: «برتری ارزشی و سلطه نظامی و سیاسی دو عامل غرب برای مدیریت دنیا بود. عامل اول که عامل ارزشی بود - یعنی رجحان ارزشهای غربی بر ارزشهای ملل دیگر، ادیان، اسلام و غیره - دچار تزلزل شده به دلایلی. عواملی موجب شده است که دچار تزلزل بشود: یکی از این عواملی که نظام ارزشی غرب را و سلطه‌ی معنوی این نظام را متزلزل کرده، بحران رو به افزایش اخلاقی و معنوی در غرب است؛ که نشانه‌ی بارز آن رواج احساس پوچی، احساس بیهودگی، احساس ناامنی روحی در بین آحاد مردم - بخصوص در بین جوانها - در غرب است. تلاشی خانواده؛ بنیان خانواده در غرب دچار تزلزل شدید است و متلاشی شده که این آثار را میگذارد.» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۳/۰۶/۱۳). از این منظر، عقل منقطع از وحی، ماتریالیسم و نگاه تک ساحتی به انسان، ذیل دموکراسی پول محور که ناتوان از پاسخگویی به نیازهای غیر مادی بشر امروز است، نشانگان مهم بن بست نظریه پردازی برای بحرانهای پیش گفته است.

۴- بحران اخلاقی

جامعه‌ای سعادتمند می‌شود که رابطه جنسی و توالد و تناسل در آن منظم و بر پایه‌ی صحیح استوار باشد. جامعه‌ای که روابط جنسی در آن آزاد و بی‌قید و شرط باشد و بی‌بندوباری در آن حاکم باشد، همیشه با فساد و تباهی دست به گریبان خواهد بود. «و لا تقرّبوا الزّنا انه کان فاحشاً و ساء سبیلاً» (اسراء، ۳۲) یعنی «به زنا نزدیک نشوید، که کار زشت و راه بدی است» در تفسیر این آیه چنین آمده است: «رابطه‌ی نامشروع جنسی (زنا)، مفاسد و زیان‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی فراوانی را بدنبال دارد و لذا در اسلام حرام شده است و در قرآن کریم، در کنار شرک، قتل و سرقت آمده است. گوشه‌ای از مفاسد زنا از این قرار است: ۱- سرچشمه‌ی بسیاری از درگیری‌ها، خودکشی‌ها، فرار از خانه‌ها، فرزندان نامشروع، بیماری‌های مقاربتی و دلهره برای خانواده‌های آبرومند است. اگر به جای ازدواج، سفاح و زنا میان جوامع حاکم شود، امراض گوناگون جسمی و روحی در جامعه رایج می‌شود و عفت، پاکی و صداقت رخت برمی‌بندد و به هرج و مرج، نابودی جامعه و سعادت بشری خواهد انجامید. ۲- زناکاران چون برای شهوترانی سراغ یکدیگر می‌روند، میانشان انس و الفت عمیق و آرامش نیست. ۳- زناکار، طرف مقابل را شریک زندگی نمی‌داند، وسیله‌ی اطفای شهوت می‌داند. ۴- زنا، سبب

رفتار و آداب و رسوم به کار رفته است.

هراسی) در تداوم مسیر جاهلیت صدر اسلام گام بر می‌دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در دیدگاه متفکران انقلاب اسلامی نیز استعاره جاهلیت برای نشان دادن احوال عصر کنونی و وضعیت تمدنی غرب به کار رفته است. امام خمینی (ره)، قرن بیستم را مصداقی از عصر جاهلی به شمار می‌آورد (خمینی، ۱۳۸۷، ج: ۱۷: ۵۱). امام خمینی (ره) در جایی دیگر در وصف جوانان شهادت طلب چنین می‌گوید: «امروز میلیونها جوان... از تفرعن‌ها و خودنماییهای جاهلیت قدیم و جدید متنفرند و من خودم را خادم یک چنین ملتی می‌دانم و به این خدمت افتخار می‌کنم» (خمینی، ۱۳۷۸، ج: ۲۰: ۳۳۳). شهید مطهری، مسیر نظام اخلاقی حاکم بر زندگی غرب را رو به توحش و آن را مصداقی از جاهلیت می‌نامد (مطهری، ۱۳۶۵: ۱۴۳) وی با نقد دیدگاه راسل در رابطه با تابو بودن مسئله ستر عورت، حرکت تمدنی غرب در این زمینه را جاهلی به حساب می‌آورد (مطهری، ۱۳۶۵: ۱۴۲).

مقام معظم رهبری در نقد وضعیت تمدن غرب به یکی دیگر از صفات آن یعنی «جاهلیت مدرن» اشاره کرده و فرمودند: «نگذاریم جاهلیت، خود را بر جوامع ما و بر زندگی ما تحمیل کند؛ که کرده است. امروز دنیای اسلام در چنبره‌ی فشار نظامهای جاهلی رنج می‌برد و درد می‌کشد. امروز دنیای اسلام دچار ضعف است، دچار فقر است، دچار اختلاف است، دچار جنگهای داخلی است، دچار مصرف‌کردن منابع و نیروهای عظیم درونی خود علیه خود است. این را بر دنیای اسلام تحمیل کرده‌اند؛ قرآن می‌خواهد ما را از فشار این تحمیل‌ها خارج کند؛ باید به اینجا برسیم. قرآن را فرا بگیریم، با قرآن انس بگیریم، در مقابل قرآن تسلیم باشیم، برای حرکت به سمت اهداف قرآنی عزم و اراده به‌خرج بدهیم؛ آن وقت می‌توانیم. اگر یک قدم جلو برویم، خدای متعال به ما نیروی مضاعف می‌بخشد. این آن چیزی است که امروز ملت‌های مسلمان باید این را بفهمند؛ باید این را درک کنند؛ یک قدم برداریم، تجربه کنیم» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در سی و دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۴/۰۳/۰۲). ایشان در تبیین ماهیت جاهلیت فرمودند: «جاهلیت فقط به معنای فقدان علم نیست؛ در تعبیرات اسلامی و در ادبیات اسلامی، جاهلیت معنای بسیار وسیع‌تری دارد؛ بخشی از جاهلیت، فقدان علم و نداشتن علم است اما جاهلیت به معنای وسیع عبارت است از غلبه و حاکمیت نیروی شهوت و غضب انسانی بر محیط زندگی؛ این می‌شود جاهلیت. جاهلیت یعنی جوامع انسانی، تحت تأثیر تمایلات شهوی و غضبی عمدتاً فرمانروایان خود به شکلی دربیاید که فضائل در آن گم بشود و رذائل حاکم بشود؛ این میشود جاهلیت» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶).

در تفکر ایشان، استعاره جاهلیت نوین برای تبیین وضعیت و جهت‌گیری تمدن غرب می‌باشد. این استعاره ریشه در آموزه‌های وحیانی و سیره معصومین علیهم السلام داشته و دلالت بر رفتارهای غیراسلامی یا ضد اسلامی دارد. در این نگاه، تمدن غرب با بکارگیری ابزارهای پیشرفته علمی و فناوری، تبلیغاتی و تسلیحاتی و همچنین راهبردهای فکری (تقابل گفتمانی با اسلام)، اخلاقی (سرکوب فضایل و برجسته کردن رذایل اخلاقی) و سیاسی (سلطه‌گری، اسلام ستیزی و ایران

نقطه افتراق پژوهش حاضر به لحاظ جامعیت بررسی مولفه‌های تمدن غرب است که در تحقیقات پیش گفته (پیشینه) فقط به تعداد محدودی اشاره شده است. افزون بر این مبانی قرآنی دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) برای نقد وضعیت تمدن غرب در تحقیقات اشاره شده نیامده است. و مهمتر از همه تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اسلامی تمدن اسلامی در مقابل نقد وضعیت تمدن غرب موجب تمایز این پژوهش با منابع اشاره شده در پیشینه شده است. نگاه انتقادی آیت الله خامنه‌ای به تمدن غرب، از منظر معرفت‌شناسی بوده و متأثر از الهیات سیاسی اسلام است. از منظر ایشان تمدن کنونی غرب بر اساس پاسداشت انسان به‌وجود آمد؛ بر اساس اومانیسیم و اصالة الانسانیه این تمدن بنا شده است و به همین دلیل پیشرفت کشورهای پیشرفته غربی نتوانست فقر و تبعیض را از بین ببرد و عدالت و اخلاق انسانی را در جامعه مستقر کند. نقد وضعیت تمدن غرب در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) بر محورهای مانند دموکراسی پول محور، خوی استکباری، بن بست تئوریک، بحران اخلاق و جاهلیت مدرن بنا شده است. معظم له در نقد وضعیت تمدنی غرب با تأکید بر دموکراسی پول محور معتقدند که آنچه که حرف اول و آخر را می‌زند، پول و سرمایه‌داری و شیوه‌های تبلیغاتی مدرن و همراه با فریب و جذاب از نظر آحاد مردم سطحی‌نگر است؛ اسم دموکراسی هست، اما باطن دموکراسی مطلقاً نیست. ایشان بر مبنای آیات ۱۲، ۱۳ و ۲۲ سوره احزاب، خوی استکباری غرب را عامل آسیبها و بدبختی‌ها و تیره‌روزی‌های بشریت در طول زمان دانسته‌اند که حدی برای اشتهای سیری‌ناپذیر آنها وجود ندارد. معظم له بن بست تئوریک در غرب را بر پایه آیه ۲۰۸ سوره بقره و آیه ۱۷۱ سوره صافات مورد تأیید قرار داده و معتقدند امروز دنیای غرب در بن‌بست فکری و بن‌بست تئوریک قرار داشته و خیلی از مسائل دنیا برایشان غیر قابل توجیه است. بر اساس آیه ۳۲ سوره اسراء، بحران اخلاقی، یکی دیگر از نقدهای امام خامنه‌ای (مدظله العالی) به وضعیت تمدنی غرب است و بر فساد اخلاقی هم از لحاظ فساد جنسی و هم فساد مالی تأکید دارند. جاهلیت مدرن یکی دیگر از محورهای مهم نقد وضعیت تمدنی غرب در اندیشه قرآنی آیت الله خامنه‌ای است که با استناد به آیه ۵ سوره مائده، ۳۳ سوره احزاب و ۱۵۴ سوره آل عمران بر آن تأکید دارند. در این نگاه، تمدن غرب با بکارگیری ابزارهای پیشرفته علمی و فناوری، تبلیغاتی و تسلیحاتی و همچنین راهبردهای فکری (تقابل گفتمانی با اسلام)، اخلاقی (سرکوب فضایل و برجسته کردن رذایل اخلاقی) و سیاسی (سلطه‌گری، اسلام ستیزی و ایران هراسی) در تداوم مسیر جاهلیت صدر اسلام گام بر می‌دارد.

با توجه به اینکه نقد تمدن غرب از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی) حوزه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد و بررسی همه آنها در این مقاله امکانپذیر نیست لذا برای تحقیقات آتی بر اساس یافته این پژوهش محورهای زیر پیشنهاد می‌شود:

Forum, Available at: <https://www.eastasiaforum.org/2014/02/04/indonesias-foreign-relations-policy-shaped-by-the-ideal-of-dynamic-equilibrium/#more-40093>, (Access 11 August 2025).

- Anwar, D. F. (2010). foreign Policy, Islam and Democracy in Indonesia. *Journal of Indonesian Social Sciences and Humanities*, 0(3), 37-54.
- Djuyandi, Y., Husin, L. H., and Tjioediningrat, R. (2021). Indonesian role in Palestine-Israel security matters. *Journal of Legal, Ethical and Regulatory Issues*, 24(6), 1-8.
- Bachtiar, H.; Razak, M. and Zakaria, S. (2021). Indonesian progressive Muslims and the discourse of the Israeli-Palestinian peace: Soekarno's, Abdurrahman Wahid's and Ahmad Syafii Maarif's thoughts. *Journal of Social Studies*, 1(17), 1-20.
- Barton, G. and Rubenstein, C. (2005). Indonesia and Israel: a relationship in waiting. *Jewish Political Studies Review*, 17 (1/2), 157-170.
- Ayun, S. Q. and et al (2024). Indonesia's diplomatic actions in the Israel-Palestine conflict. *Jurnal Pertahanan*, 10(2), 329-341.
- Dehghani Firoozabadi, S. J. and Zare Ashkezari, M. (2016). Neo-classical Realism in International Relations. *Asian Social Scienc*, 12(6), 95-99.
- Foulon, M. (2015). Neoclassical Realism: Challengers and Bridging Identities. *International Studies Review*, 17(4), 635-661.
- Fox, J. and Sandler, SH. (2004). *Bringing Religion into International Relations*. London: Palgrave Macmillan.
- International Business Publications. (2012). *Indonesia, country study guide volume 1: Strategic information and developments/ International Business Publications*. Washington DC: International Business Publications.
- Kitchen, N. (2010). Systemic pressures and domestic ideas: a Neoclassical Realist model of Grand Strategy formation. *Review of International Studies*, 36(1), 117-143.
- Kusumaningrum, D. and et al (2018). Indonesia's Islamic Party & Humanitarian Issue: PKS Response to Palestine. In *Proceeding the 4th International Student Conference on Humanity issues 2018*, Universitas Muhammadiyah Yogyakarta, 178-194.
- Lobell, S.; Ripsman, N. M. and Taliaferro, J. W. (2009). *Neoclassical Realism, the State, and Foreign Policy*. UK: Cambridge University Press.
- Marie Murphy, A. (2020). *Islam in Indonesian Foreign Policy: The Limits of Muslim Solidarity for the Rohingya and Uighurs*. Asan Institute for Policy Studies, 1-15. <https://www.jstor.org/stable/resrep2763>
- Mintz, A. and Derouen, K. (2010). *Understanding Foreign Policy Decision Making*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Songbatumis, A. M. (2021). The Role of Islam in Indonesian Foreign Policy: A Case of Susilo Bambang Yudhoyono. *Polish Political Science Yearbook*, 50(issue number), 1-23.
- Ng, J. (2022). *Indonesia-Israel Relations: Is*

-نقد تمدن غرب از دیدگاه اندیشمندان غرب

- نقد فضایل انسانی در غرب

- نقد صداقت در غرب

- نقد نظم در غرب

- نقد دموکراسی (مردم سالاری) در غرب

منابع

- استیل، برنت. (۱۳۹۲). امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل. ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، فرزاد رستمی و محمدعلی قاسمی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حکیم‌پور، علی. (۱۴۰۱). ویژگی‌های اسلام میانه‌رو در اندونزی. پایگاه تخصصی جامعه و فرهنگ، قابل دسترس: <https://farhangemelal.icro.ir/news/13840> (بازیابی ۲۰ مرداد ۱۴۰۴).
- حسینی جلی، سیدمیرصالح؛ ستوده آرانی، محمد و خادمی، سیدمحم. (۱۳۹۹). همپوشانی مولفه‌های هویت‌ساز بر هویت‌بخشی دینی کنشگران اجتماعی اندونزی. *فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۷(۴)، ۶۳-۹۴.
- داودی، علی اصغر. (۱۳۹۱). امنیت از نگاه مکتب سازه‌نگاری. *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۴(۱۶)، ۵۰-۲۹.
- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و عطازاده، سجاد. (۱۴۰۲). امکان‌سنجی پیوستن اندونزی و مالزی به توافق‌نامه‌های ابراهیم و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی. *فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۱(۱۵)، ۱۰۴-۷۹.
- عباسیان، ساناز. (۱۴۰۰). اندونزی، اسرائیل؛ گذشته، حال و چشم‌انداز پیش‌رو. موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام، گزارش ویژه، ۰(۶۹)، قابل دسترس: <https://iiwfs.com/wp-content/uploads/2021/08/DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%B4-%D9%88%DB%8C%DA%98%D9%87-69.pdf> (بازیابی ۲۰ مرداد ۱۴۰۴).
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۳). کاربرد نظریه‌های روابط بین‌الملل: سیاست بین‌الملل در عرصه تئوری و عمل. تهران: انتشارات ندیای اقتصاد.
- محمودی‌کیا، محمود. (۱۳۹۶). تهدید هنجاری و باز خیزش دین در روابط بین‌الملل؛ چپستی، چرایی و نحوه تعامل. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۷(۳)، ۱۲۵-۱۵۴.
- ونت، الکساندر. (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- هادیان، ناصر. (۱۳۸۲). سازه‌نگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۱۷(۴)، ۹۵۰-۹۱۵.
- Al-Anshori, M. Z. (2016). *The role of Islam in Indonesia's Contemporary foreign policy*. Thesis Doctor in Political Science and International Relations. New Zealand: Victoria University of Wellington.
- Anwar, D. F. (2014). *Indonesia's foreign relations: policy shaped by the ideal of dynamic equilibrium*. East Asia

- Sandal, N. A. and James, P. (2010). Religion and International Relations theory: Towards a mutual understanding. *European Journal of International Relations*, 17(1), 3–25.
- Sites. (2022). The Republic of Indonesia, Available at: <https://sites.google.com/a/richland2.org/indonesia-fantone-dyer1/Culture>, (Access 11 August 2025).
- Sukma, R. (2003). *Islam in Indonesian Foreign Policy*. London: Routledge Curzon.
- Tri Andika, M. (2016). An Analysis of Indonesia Foreign Policy Under Jokowi's Pro-People Diplomacy. *Indonesian Perspective*, 1(2), 1-13.
- Warner, C. M. and Walker, S. G. (2011). Thinking about the Role of Religion in Foreign Policy: A Framework for Analysis. *Foreign Policy Analysis*, (7), 113-135.
- Worldometers. (2025). Indonesia Population (LIVE). Worldometers.info, <https://www.worldometers.info/world-population/indonesia-population/>, (Access 11 August 2025).
- Yuliantini, N. and Sawaki, A. N. (2022). Support of Indonesian diplomats on Palestine. *Jurnal Pendidikan Kewarganegaraan Undiksha*, 10(1), 467-481.
- Zon, F. (2020). Why Indonesia Can't Normalize Relations with Israel? The League of Parliamentarians for Al Quds (LP4Q), Available at: <http://repositori.dpr.go.id/464/1/BKSAP-league%20Al%20Quds.pdf>, (Access 11 August 2025).
- Wendt, A. (1995). Constructing International Politics. *International Security*, 20(1), 71-81.
- a Breakthrough Imminent? The Diplomat, Available at: <https://thediplomat.com/2022/01/indonesia-israel-relations-is-a-breakthrough-imminent/> (Access 11 August 2025).
- Ozkan, M. (2021). How Religion Shapes Foreign Policy? An Explanatory Model for Non-Western States. *Religions*, 12(8), 1-13.
- Petito, F. and Hatzopoulos, P. (2033). Religion in International Relations: The Return from Exile (Culture and Religion in International Relations). London: Palgrave Macmillan.
- Rafikasari, A. (2020). Redefining Indonesia's Foreign Policy Free & Active: Challenges & Opportunities of Indonesia's-China's Alliance in the Development of Space Technology. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, (510), 656-661.
- Rathbun, B. (2008). A Rose by Any Other Name: Neoclassical Realism as the Logical and Necessary Extension of Structural Realism. *Security Studies*, 0(17), 294–321.
- Ripsman, N. M., Taliaferro, J. W. and Lobell, S. E. (2016). *Neoclassical Realist Theory of International Politics*. New York: Oxford University Press.
- Rose, G. (1998). Review: Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy. *World Politics*, 51(1), 144-172.
- Ryvantya, K. (2022). The Dilemma of Opening Indonesia-Israel Diplomatic Relations. *Modern Diplomacy*, <https://moderndiplomacy.eu/2022/10/26/the-dilemma-of-opening-indonesia-israel-diplomatic-relations/>, (Access 11 August 2025).